

یادی از شهید سیدخلیل بهشتی مسئله‌گو، فرمانده آموزش واحد اطلاعات لشکر نصر

توبه‌ای که خدا پذیرفت

- برای مجروحیت جزئی به عقب بر نمی گشت

پس از شروع جنگ تحمیلی، درحالی‌که محصل سال دوم دبیرستان دکتر شریعتی است، درس را رها می‌کند و به میدان نبرد می‌رود، او عقیده داشت: «اگر بر دشمن فائق آییم، برای درس خواندن هم فرصت هست».

چندی بعد برای گذراندن خدمت سربازی، خود را به سپاه معرفی می‌کند و پس از گذراندن دوره آموزشی در بجنود راهی ایلام می‌شود. هر عملیاتی که می‌شود، او یکی از دواطلبان است و با اشتیاق به خط مقدم می‌رود.

اواخر خدمت سربازی به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در می‌آید و بعد از آن به‌صورت پی‌درپی در جبهه‌ها حضور می‌یابد. بیشتر حضورش، در جبهه جنوب است و چندبار نیز به مناطق غرب و کردستان می‌رود.

هربار که مجروح می‌شود، در صورت سطحی‌بودن جراحات، در منطقه می‌ماند و برای درمان به شهر نمی‌آید، اما یک‌بار که در عملیات والفجر بر اثر اصابت گلوله به صورتش به‌شدت مجروح می‌شود، همراهانش ناچارند به خانوادهاش اطلاع دهند. او بعد از چند روز بستری شدن در یکی از بیمارستان‌های یزد، برای درمان کامل به مشهد منتقل می‌شود و تا بهبودی کامل می‌ماند، اما پس از بهبودی نسبی دوباره به منطقه باز می‌گردد.

- بیش از حرف، مرد عمل بود

او به اطلاعات عملیات می‌پیوندد و یک دوره کارآموزی کافی است تا نبوغش را نشان دهد و بلافاصله به‌عنوان مربی واحد اطلاعات مطرح و چندی بعد مسئولیت آموزش واحد اطلاعات لشکر نصر را عهده‌دار شود. شخصیت بی‌ریا و افتاده، از روزمندهای محبوب می‌سازد، درواقع بیشتر از آنکه حرف بزند عمل می‌کند. همیشه راحتی دیگران را به راحتی خود ترجیح می‌دهد و تلاش می‌کند کارهای محوله را به بهترین نحو انجام دهد.

یکی از هم‌زمانش به‌نقل او می‌گوید: «وقتی سعی می‌کنم حسن کارم را افزایش دهم، روحیه‌ام بانشاط‌تر می‌شود و انرژی بیشتری را در خود حس می‌کنم، چه در امور آموزشی چه در عملیات و...»

- شهادت گمنامانه آرزویش بود

در جبهه امام جماعت است، اما برای خودش خلوتی هم دارد که کمتر کسی متوجه آن می‌شود. هم‌زمانش روایت می‌کنند که «وقتی به نماز می‌ایستاد، انگار روحش به پرواز در می‌آمد واکبر که می‌گفت، دیگر خلیل، خلیل قبلی نبود».

می‌شود راز و نیازش را با معبود از میان برخی نوشته‌هایش دید، جایی که می‌نویسد: «خدا یا، مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبایی تو را مشاهده کنم.» همین به‌دلیل کوچک‌شمردن خود است که گمنام‌مردن آرزوی او می‌شود.

- عروسی من در جبهه است

خصیصه‌ای که تمام آشنایان، از خواهر و مادر گرفته تا دوستان و هم‌زمانش، به وجود آن در خلیل معتقدند، جذابیت شخصیت اوست. حسین حیدری، یکی از هم‌زمانش، می‌گوید: «خلیل جاذبه داشت و این جاذبه در چهره‌اش نبود، بلکه در درونش بود. شخصیت جذابی که شهادت آرزویش است. خودش می‌گفت اگر زیر رگبار مسلسل‌ها سوراخ‌سوراخ شوم، اگر تکه تکه شوم، اگر در خون خویش بفلتم، خواهم گفت که دست از این انقلاب نمی‌کنم، از دینم، از قرآن، از وطنم و از انقلابم دفاع می‌کنم.»

درواقع همه رفتار و اعمالش نشانگر روحیه شهادت‌طلبی اوست. او این عشق به شهادت را در وصیت‌نامه‌اش نیز این‌گونه بیان می‌کند: «عروسی من در جبهه و روز شهادت‌م روز دامادی من است. عروس من شهادت است. صدای توپ و گلوله و خمپاره عقد مرا خواهند خواند. با خون سرخم خود را برای معشوقم آرایش خواهم کرد و در غلغله شادی مسلسل‌ها و بارش نقل‌های سربی در حجله سنگر، عروس شهادت را



یکی از رهروان حسین (ع)

شهید سیدخلیل بهشتی مسئله گوصیت کرده است: «در کنار عکسی که بر سر موزم خواهید گذاشت، بنویسید این است یکی از رهروان حسین(ع)».
پیکر پاکش در بهشت رضای مشهد به خاک سپرده می‌شود. او خطاب به خانواده و دیگر کسانی که وصیت‌نامه او را می‌خوانند، می‌گوید:

به آغوش خواهم کشید.»

- حذفایی انسان

قبل از شرکت در آخرین عملیات، برای مراسم عقد خواهرش به مشهد می‌آید و پس از آن بار دیگر به منطقه بازمی‌گردد، او خواب شهادتش را دیده است، دیده که راه کربلا را پیدا کرده است و به سوی آن پرواز می‌کند. او خطاب به خواهرش می‌گوید: «به کوری چشم منافقین، در شب هفت من عروسی کن تا دشمن بداند که ما کیستیم و بداند که شهادت میراث ماست.»

بعد هم توصیه می‌کند: «برای ازدست‌دادن من غصه یا افسوس نخورید که شهادت حد نهایی تکامل انسان است.»

هم‌زمش درباره آخرین خاطره خود از خلیل می‌گوید: «آن شب خلیل به‌شکلی

چهارم

روزنامه شهرامشید وزندگنی

۲۲ اسفند ۱۳۶۲ ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ ۲۴ شهریور ۱۳۶۲

۱۳ SHAHRAHNEWS.IR



پیکر معجزه

دیدار با معشوق در اسفند جبهه‌ها

در تقویم دفاع مقدس، اسفندماه به‌واسطه انجام برخی عملیات کلیدی و مهم، عجین است با شهادت برخی فرماندهان شاخص کشورمان. ستون یادگاران فرصتی را پیش آورد تا مروری داشته باشیم بر زندگی و مجاهدت برخی از این دلاورن.

شهید حمید باکری

تاریخ شهادت: ۱۶ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: جزیره مجنون

برادران باکری از چهره‌های مبارز در جریان پیروزی انقلاب و دوران جنگ هستند. اعدام علی، یکی از برادران باکری، در دوران طاقت، عزم برادران دیگرش، مثل مهدی و حمید، را برای مبارزه علیه رژیم پهلوی راسخ‌تر می‌کند. حمید در کنار روحیه مبارزه جویانه‌اش، شخصیتی متفکر و اهل مطالعه است. با شروع جنگ، فعالیت‌های مبارزاتی او بیشتر شده و با تجربیاتی که‌از سفر به سوریه و لبنان به‌دست آورده‌است، عازم میدان نبرد می‌شود. حضور دائمی‌اش در جبهه‌ها از عملیات فتح‌المبین شروع می‌شود و به عملیات خیبر در اسفند ۶۲ که میعاد‌گاه او و خالقش است، می‌رسد. حمید باکری سرانجام در ساعت ۱۱ شب چهارشنبه، ۱۳ اسفند ۱۳۶۲، خبر تصرف پل مجنون را با بی‌سیم اطلاع می‌دهد. او و یارانش در حفظ این پل مهم، ۲روز تمام در مقابل انبوه نیروهای زرهی دشمن دلاورانه می‌جنگند و همان‌جا به خیل شهدای جاویدالآثر می‌پیوندند.

شهید حسین خرازی

تاریخ شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: شلمچه

«هرچهار جهاد و شهادت» لقبی است که رهبر انقلاب پس از شهادت حسین خرازی به او دادند. فرمانده اصفهانی و شجاع سپاه حضرت امام، از بااخلاص‌ترین رزمندگان دوران دفاع مقدس است. او با شروع جنگ به‌عنوان فرمانده اولین خط دفاعی که برای مقابله با عراقی‌ها در جاده آبادان به اهواز در منطقه دارخوین تشکیل شده بود، فرستاده می‌شود. پس از رشادت‌های فراوان در عملیات‌های شکست حصر آبادان و آزادسازی بستان، فتح‌المبین، رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۴، در عملیات خیبر یکی از دست‌هایش را از دست می‌دهد، اما دوباره به میدان برمی‌گردد. برای عملیات بزرگ کربلای ۵ در زمستان ۶۵ در جلسهای از فرماندهان گردان‌ها و یگان‌ها بیعت می‌گیرد که تا پای جان ایستادگی کنند. خرازی و نیروهایش در این عملیات با عبور از خاک‌ریزهای هلالی، شکست سنگینی به عراقی‌ها وارد می‌کنند، اما خود حسین خرازی در این عملیات شهید می‌شود.

شهید محمدابراهیم همت

تاریخ شهادت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: جزیره مجنون

شهر اصفهان شهیدان بزرگ‌یادی را تقدیم کشور کرده است و ابراهیم همت از بزرگ‌ترین آن‌هاست. سردار خیبر پس از پیروزی انقلاب با کمک ۲تن از برادران خود و ۳تن از دوستانش، سپاه شهرضا را تشکیل می‌دهد. با تهاجم رژیم بعث عراق به خاک کشور و به دستور فرماندهی کل سپاه، او و حاج‌احمد متوسلیمان مأوریت می‌دهند ضمن اعزام به جبهه جنوب، تیپ محمد رسول(ص) را تشکیل دهنددر عملیات سراسری فتح‌المبین، مسئولیت قسمتی از کل عملیات به‌عهده این سردار دلاور است. او همچنین همراه با یگان تحت امرش در بیت‌المقدس سهم بسزایی در فتح خرمشهر ایفا می‌کند. در جریان عملیات خیبر نیز همراه با نیروهایش در برابر ارتش عراق ایستادگی می‌کند، اما خود او زمانی که برای بررسی وضعیت جبهه به جلو رفته بود، همراه با معاونش، اکبر زجاجی، بر اثر اصابت ترکش گلوله توپ در غروب ۱۷ اسفند ۶۲ به شهادت می‌رسد.

شهید عبدالحسین برونسی

تاریخ شهادت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: شرق دجله

شهید عبدالحسین برونسی متولد سال ۱۳۲۱ در روستای گلبوی کدکن تربت‌حیدریه، پس از پیروزی انقلاب به‌صورت افتخاری به سپاه پاسداران می‌پیوندد و با آغاز درگیری‌های کردستان به پایو می‌رود. با شروع جنگ او در شمار نخستین کسانی است که خود را به جبهه‌های نبرد می‌رساند. او در عملیات فتح‌المبین به‌عنوان فرمانده گردان خط‌شکن مرکز فرماندهی عراقی‌ها را تبه ۱۲۴۱ نابودی می‌کند و همین آغازی است بر رشادت‌های او و گردان خط‌شکنش در عملیات‌های بیت‌المقدس، رمضان، مسلم‌بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر یک، ۲و ۳. او در عملیات‌های خیبر، میمک و بدر به‌عنوان فرمانده تیپ ۱۸ جوادالامنه(ع) با دلاوری توصیف‌ناپذیری در چهارراه جاده خندق به پاکت دشمن پاسخ می‌دهد و در ساعت ۱۱ صبح روز ۲۳ اسفند ۶۲ با اصابت ترکش خمپاره به شهادت می‌رسد و پیکرش بعد از ۲۷سال از شرق دجله برمی‌گردد.

شهید عباس کریمی

تاریخ شهادت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: شرق دجله

شهید عباس کریمی قهرودی متولد سال ۱۳۳۴ در قهرود کاشان، هنگام تأسیس سپاه پاسداران کاشان در بهار ۵۸ به عضویت سپاه درآمد و در تابستان ۵۹ داوطلبانه برای مبارزه عازم کردستان شد. او بعدها همراه با احمد متوسلیمان و رضا چراغی به جبهه‌های جنوب رفت و به‌عنوان مسئول اطلاعات عملیات تیپ محمدرَسُول... به فعالیت خود ادامه داد. او در عملیات فتح‌المبین از ناحیه پا به‌شدت مجروح و حدود ۲ماه تیر بستری شد، اما بلافاصله در عملیات والفجر مقدماتی حاضر شد. با شهادت محمدابراهیم همت در عملیات خیبر، عباس کریمی فرماندهی لشکر ۲۷ محمدرَسُول... را عهده‌دار شد، اما حدود یک سال بعد در ۲۳ اسفند ۱۳۶۲ در چهارمین روز عملیات «بدر» در منطقه عملیاتی شرق رودخانه دجله بر اثر اصابت ترکش گلوله توپ به شهادت رسید.

شهید مهدی باکری

تاریخ شهادت: ۲۵ اسفند ۱۳۶۲

محل شهادت: شرق دجله

مهدی باکری پس از پیروزی انقلاب و به‌دنبال تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عضویت این نهاد درآمد و در سازمان‌دهی و استحکام سپاه ا رومیه نقش فعالی ایفا کرد و پس از آن عازم جبهه‌ها شد. او با استعداد و دل‌سوزی فراوان خود به‌عنوان معاون تیپ نجف‌اشرف، عاملی شد برای پیروزی رزمندگان در عملیات فتح‌المبین. در این عملیات از ناحیه چشم و در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس از ناحیه کمر زخمی شد، اما جبهه را ترک نکرد. او در عملیات بدر به‌دلیل وضعیت حساس عملیات، طبق معمول به خطرناک‌ترین صحنه‌های کارزار وارد شد تا مواضع تصرف‌شده را در مقابل پاتک‌های دشمن تثبیت کند، اما بر اثر اصابت تیر مستقیم به شهادت رسید. هنگامی که پیکر مطهرش را از طریق آب‌های هورالعظیم انتقال دادند، قایق حامل پیکر او هدف آربی جی دشمن قرار گرفت و حمید باکری برای همیشه در آب‌های هورالعظیم آرام گرفت.



یادگاران

سیدخلیل بهشتی مسئله‌گو در اول فروردین ۱۳۴۳ در مشهد به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی‌اش را در دبستان «رام» گذراند. تحصیلات پدرش ششم ابتدایی قدیم بود و مادرش فقط خواندن و نوشتن می‌دانست، با وجود این، خلیل شاگرد بسیار موفقی بود و معلمان همیشه از او راضی بودند و در مدرسه به حسن اخلاق شهره بود.

نماز خواندن را قبل از رسیدن به سن تکلیف شروع می‌کند و زمانی که بزرگ‌تر می‌شود، مشتری ثابت مراسم مذهبی، مساجد و نمازهای جماعت است.

ضمن اینکه در منزل هم دوره قرآن دارند و خلیل در این دوره‌ها، تلاوت قرآن را به‌خوبی فرا می‌گیرد، با چنین تعلیماتی، دبستان را پایان می‌برد و برای مقطع راهنمایی به «مدرسه رضائی» می‌رود. این دوران مصادف است با آغاز جنبش‌های انقلابی مردم علیه حکومت پهلوی. در بسیاری از تظاهرات و تحصنات حضور دارد و تلاش می‌کند دانش سیاسی خود را تقویت کند. ضمن اینکه به فوت‌بال علاقه‌مند است، اهل نقاشی است و خط خوبی نیز دارد.

از زمانی که می‌تواند روی پای خود بایستد، کارکردن خارج از خانه را هم آغاز کرده است؛ هم کارگر هتل خیام بوده و هم خیاطی می‌کند و بدین ترتیب اوقات فراغتش را می‌گذراند. با پیروزی انقلاب و بعد از اینکه عضو بسیج می‌شود، در مسجد سنگی، واقع در خیابان طبرسی مشهد، به کار پلاکاردنویسی، خطاطی و ترسیم تصویر امام(ره) می‌پردازد. این‌گونه است که روزبه‌روز با انقلاب مأنوس می‌شود. با وجود همه این کارها، توجه به پدر، مادر و خانواده را نیز از یاد نمی‌برد. در کارهای منزل به مادرش کمک بسیاری می‌کند. با پدر و مادرش خوش‌رفتار و با خواهرها و برادرهایش مهربان است.

محمّدجواد اکبرپوربازگانی

یژه‌هشگر تاریخ جنگ ایران و عراق

جستارهای وابسته

اگر جنگ را کاربرد ابزار نظامی برای رسیدن به خواسته‌های طرف‌های درگیر تعریف کنیم، باید بگوییم که علت طولانی‌شدن جنگ ایران و عراق و تداوم ۸ساله آن، رضایت‌ناداشتن طرف‌های درگیر و کشورهای ذی‌نفع از وضعیت موجود و تلاش برای تغییر آن و رسیدن به وضع مطلوب از راه‌های مرسوم بوده است. برای توضیح مسئله، آن را از بعد

بررسی می‌کنیم:

- ادامه خواسته‌های تجاوزکارانه عراق

عراق با وجود اینکه در هفتمین روز جنگ خواستار آتش‌بس در جنگ شد و بعدها هم به‌ظاهر با قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل که برای آتش‌بس صادر شده بود حمایت می‌کرد، واقعاً خواستار پایان جنگ نبود و همچنان بر مواضع تجاوزکارانه خود پافشاری می‌کرد. در این باره وزیر دفاع رژیم بعث عراق، عدنان خیر... گفته است: «عراق خواستار بازپس‌گیری اراضی مرزی و کنترل بر شط‌العرب است و تا ایران به خواسته‌های برحق ما پاسخ ندهد، به جنگ ادامه

خواهیم داد.»

واضح است که عراق هیچ حقی بر کنترل شط‌العرب به‌طور کامل نداشته و رژیم حقوقی ارونردود طبق معاهده ۱۹۷۵ الجزایر که بین ۲کشور امضا شده بود، مشخص کرده بود که خط تالوگ مرز میان ۲کشور بوده و این ادعای عراق نه‌تنها بر حق نبوده، بلکه خلاف مقررات بین‌المللی و معاهده‌ای است که خود آن را امضا کرده بود. صدام بارها اعلام کرد که قسراً دراد ۱۹۷۵ الجزایر را به رسمیت نمی‌شناسد و برای ایران حقی در ارونردود قائل نیست.

با این اوصاف یک طرف جنگ که عراق باشد، در ۸سال و نیز پس از اینکه ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، بر تداوم جنگ و تکیه بر مسائل بحران‌زا برای رسیدن به مقاصد شوم و تجاوزکارانه‌اش اصرار داشته است.

- تلاش ایران برای دستیابی به خواسته‌های مشروعش

ایران نیز که عراق بخشی از سرزمینش را اشغال کرده و خسارات مادی و معنوی بسیاری را از تجاوز عراق متحمل شده بود، به‌طبیع تلاش می‌کرد -در وضعیتی که مجامع بین‌المللی هیچ اقدامی برای جلوگیری از تجاوز نکردند- برای رسیدن به خواسته‌های مشروعش، یعنی خروج بی‌قیدوشرط عراق از سرزمین‌های اشغالی،

شناسایی متجاوز از طرف مجامع بین‌المللی و پرداخت خسارت از طرف عراق، جنگ را ادامه بدهد، زیرا با وضعیتی که در آن زمان در نظام بین‌الملل و بین قدرت‌های بزرگ حاکم بود، ایران چاره‌ای جز ادامه جنگ و کسب حقوقش از این راه نداشت.ایران اعلام کرد تا زمانی که عراق بدون هیچ‌قیدوشرطی از سرزمین‌های اشغالی خارج و تجاوزگر شناسایی نشود و خسارات جنگی را به ایران پرداخت نکند، حاضر به پذیرش آتش‌بس نیست. به همین دلیل هم با قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی که شورای امنیت و پیشنهادهایی که دیگر سازمان‌ها و کشورهای جهان ارائه می‌کردند، که آشکارا در جهت منافع عراق و به‌رسمیت‌شناختن تجاوز عراق بود، مخالفت می‌کرد.

● عامل نظام بین‌الملل و تداوم جنگ

اگر با دیدی سیستماتیک به مسائل بین‌المللی توجه شود، باید گفت که در جریان جنگ ایران و عراق، عملکرد نظام بین‌الملل از عوامل اصلی تداوم جنگ ایران و عراق بوده است. در آن زمان با وجود جنگ سرد میان ابرقدرت‌ها، آن‌ها خواستار تداوم جنگ و تضعیف هر ۲ کشور ایران و عراق بوده‌اند. به‌عنوان مثال آمریکا با وجود دفاع ظاهری از پایان جنگ، خواهان ادامه جنگ



حسین صادقی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۶ تاریخ تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۹ محل شهادت: باری دواز نام گزار: حرم مطهر

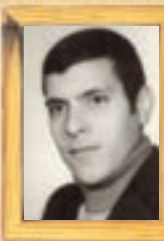
مهدی بازمیر تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۶ محل تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۹ محل شهادت: بیمارستان نمازی نام گزار: حرم مطهر



اکبر تالعی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۶ محل تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ محل شهادت: حاج عباس نام گزار: بهشت رضا



جعفر تالعی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۶ محل تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ محل شهادت: فلو نام گزار: بهشت رضا



سیدمحمدابراهیم حمیدی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۲۰ محل تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ محل شهادت: فلو نام گزار: بهشت رضا



یوسف کریمی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۲/۶ محل تولد: مشهد محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ محل شهادت: فلو نام گزار: بهشت رضا

شهادتی هفته

۲۰ اسفند ۱۳۶۳

منطقه عملیات:

جنوب- هورالهوریزه

نوع یا نام عملیات:

بدر

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش (هواپیروز و نیروهای هوایی و دریایی) و سپاه

نتیجه عملیات:

آزادسازی جاده خندق و قسمتی از هورالهوریزه، انهدام ۴ تیپ پیاده و ۴ تیپ زرهی و مکانیزه، انهدام ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو ۱۰۰۰ قیضه خمپاره انداز به همراه ۱۲۰۰۰ کشته و زخمی، ۴۲۰۰ اسیر از دشمن.

۲۰ اسفند ۱۳۶۵

منطقه عملیات:

جنوب- شرهانی و پیچ انگیزه

نوع یا نام عملیات:

تک محدود

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش

نتیجه عملیات:

به طور جداگانه در دو منطقه شرهانی و پیچ انگیزه خساراتی به دشمن وارد شد. این محذوده در شمال فکه قرار گرفته و شامل تپه ماهورهایی است که بخشی از آن‌ها در خاک عراق و بخشی درخاک ایران است.

۲۳ اسفند ۱۳۶۶

منطقه عملیات:

شمال غرب- حلبچه

نوع یا نام عملیات:

ظفر ۷

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش و سپاه با همکاری معارضان کرد عراقی

نتیجه عملیات:

۱۵ دستگاه تانک و نفربر زرهی، ۲۰ دستگاه خودرو، دهها قیضه خمپاره‌اندازه و شماری سلاح سبک و نیمه‌سنگین به یگان‌های تیپ ۴۲۴ و ۴۳۲ و گردان مستقل ۲۴ حفاظت ارتش عراق متلاشی شد.

۲۳ اسفند ۱۳۶۶

منطقه عملیات:

شمال غرب- ماووت

نوع یا نام عملیات:

بیت‌المقدس ۳

یگان‌های شرکت‌کننده:

سپاه

نتیجه عملیات:

آزادسازی ۴۰ کیلومتر مربع از خاک عراق، تسلط بر سلسله ارتفاعات گوجار، ارتفاعات ۲۰۸۰، ملکان و ارتفاعات سه‌گانه هلکان، روستاهای گواراده و سومر، به همراه ۱۰۰ اسیر و ۱۳۰۰۰ کشته و زخمی از نیروهای دشمن.

^[1] منبع: روزنامه‌های جوان و جام‌جم

^[2] منبع: پورتال اطلاع‌رسانی سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس